



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)﴾

سوره مبارکه ای که «علم بالغلبه» آن «القدر» است درباره عظمت ليله قدر سخن می گوید. عظمت ظرف ممکن است به لحاظ عین ثابت یا مسائل و مصطلحاتی که بعضی از فرق دارند در لوح محفوظ باهم فرق داشته باشد نفی آنها آسان نیست، ولی به حسب آنچه در عالم طبیعت هست زمان و مکان ذاتاً خصیصه ای ندارد به وسیله مظروفشان خصوصیت پیدا می کنند. ذات اقدس الهی در جریان ليله قدر خیلی با اهتمام سخن گفته است و برای او حرمت نهاد و حرمت مستمر. در جریان قرآن کریم فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾، نام مبارک قرآن را نبرد خدا تعظیم کرد و برای اینکه شهرت او و عظمت او و جلال و جمال او همچنان محفوظ بود و هست و لازم نبود که نام قرآن برده بشود که بفرماید «إِنَّا أَنْزَلْنَا الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» که از آن به ضمیر یاد کرده است چون معهود بود و مشهور بود، این نکته اول و فرمود منشأ انزال آن هم آن مقام کبریایی خدای سبحان است که با «متکلم مع الغیر» یاد کرده است ﴿إِنَّا﴾ نفرمود «أنا»! ما او را به زمین آویختیم نه انداختیم، تجلی کردیم نه تجافی، ما او را نازل کردیم.

وقتی بفرماید ما او را نازل کردیم و به نحو تجلی باشد نه تجافی، به نحو آویختن باشد نه انداختن، با قرآن خواهد بود. عظمت قرآن را گاهی به این صورت یاد می‌کند در سوره «حجر» که از حفاظت قرآن سخن به میان می‌آید می‌فرماید که ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ﴾<sup>۱</sup> آنجا ضمیر کافی نبود، اگر می‌فرمود «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَاهُ»، فکر می‌شد که مثلاً راجع به صیانت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ اما تصریح کرد که راجع به صیانت قرآن از تحریف و زوال و بطلان باشد؛ لذا فرمود چون ما او را حفظ می‌کنیم ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ که با این جمله اسمی و مانند آن از صیانت قرآن سخن به میان آورد، لذا فرمود این کتابی است که ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ﴾<sup>۲</sup> با زمان و زمین هماهنگ است هیچ عاملی برای فرسایش و فرسودگی او وجود ندارد، نه نسخ آسمانی آن را از بین می‌برد نه نسخ زمینی. ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ﴾ چه در عصر نزول آن چه در آینده.

این قرآن وقتی بخواند مورد تکریم الهی قرار بگیرد در بخش صیانت و حفظ به این صورت ذکر می‌شود که ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾، اگر سخن از صیانت قرآن از زوال و دگرگونی نیست اصل اجلال و تکریم قرآن است چون عظمت او روشن است نیازی به ذکر او نیست و ضمیر کافی است می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾. درباره این زوال سوره مبارکه «دخان» دارد که ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾<sup>۳</sup> این ليله را به مبارک بودن وصف کرده است در این سوره وصفی برای این ليله نیاورد لکن به وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ یعنی وصف او قابل بازگو کردن نیست، اکتناه وصف او میسور کسی نیست این شرط بسیار بابرکت و عظمت است. پس گاهی به این صورت ذکر می‌کند که ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ هر امر متقن و محکمی اینجا گشوده می‌شود هر متنی اینجا شرح می‌شود هر رتقی اینجا فتق می‌شود که

۱. سوره حجر، آیه ۹.

۲. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۳. سوره دخان، آیه ۴.

﴿فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾<sup>۱</sup> متن‌ها گشوده می‌شود نه تنها درباره قرآن، درباره غیر قرآن هم این چنین است و چون ليله قدر شب تقدیر و اندازه‌گیری است، درباره قرآن هم به این صورت تنظیم می‌شود که امسال که مثلاً فلان سال است چند آیه چند سوره، هر سوره مشتمل بر چند آیه باشد اینها در ليله قدر تنظیم می‌شود که امسال چند سوره نازل می‌شود و باید بشود و این سور چند آیه باید داشته باشند و مانند آن چون تنها مسئله کیل و رزق ظاهری معیار نیست، برای اینکه رزق معنوی هم چه اینکه نبوت رزق است و ولایت رزق است و امامت رزق است هم بیان شده است. در جریان شعیب (سلام الله علیه) دارد که درباره نبوتش ﴿رَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا﴾<sup>۲</sup> از نبوت به عنوان روزی نیک یاد کرده است. علم بهترین روزی است عقل بهترین روزی است اینها نعمت‌های الهی‌اند و در ذیل آیه ﴿ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾<sup>۳</sup> وجود مبارک امام رضا (سلام الله علیه) فرمود «كُنُ النَّعِيمِ»<sup>۴</sup> ولایت نعمت است امامت نعمت است رسالت نعمت است.

بنابراین این توزیع نعمت و توزیع روزی و توزیع برکات که در سوره «دخان» به عنوان ليله مبارکه یاد شده است اختصاصی به امور ظاهری ندارد؛ قرآن، حدیث، روایات، مطالب عقلی که در امسال نصیب حکما، متکلمین، فقها مفسرین، محدثان و پژوهشگران می‌شود همه اینها رزقی است که نزولش در شب قدر تقدیر شده است و توزیع شده است؛ منتها برخی‌ها ممکن است که عمداً ﴿يَبْذُوكَ﴾ قرآن را ﴿وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ﴾<sup>۵</sup> - معاذ الله - نگیرند ولی از آن طرف بخشش هست و جود هست و منعی نیست و منظم است و معلوم است که چند سوره چند آیه چند حدیث چند بارگاه علمی به روی حکما و متکلمان و فقها و مفسران و اندیشوران علوم تجربی و ریاضی گشوده می‌شود اینها

۱. سوره هود، آیه ۸۸.

۲. سوره تکوین، آیه ۸.

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۲، ص ۴۷۶.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۸۷.

در شب قدر توزیع شده است که ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ﴾ در سوره مبارکه «قدر» اگر نظیر سوره «دخان» این تعبیر نشده، تعبیر دیگر ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ عظمت او را بیان می‌کند.

مطلب دیگر این است که اگر این «ألف شهر» کنایه از دوام باشد روشن نیست که واقعاً «لیلة القدر» از چند شب بیشتر است گاهی ممکن است که این «ألف شهر» ناظر به کثرت باشد؛ نظیر آنچه در بین ایرانی‌ها بود که در مراسم دید و بازدید عید نوروز می‌گفتند هزار سال و ماه بمانید! در اوایل سوره مبارکه «بقره» هم دارد که این شعار که از فارس‌ها به تازی‌ها رسیده است که می‌گویند هزار سال «عش ألف نیروز» براساس همین هزار سال ماندن را که مسئلت می‌کنند فرمود: ﴿يَوْمَ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ﴾<sup>۱</sup> هزار سال بماند هم به هر حال پیشرفتی ندارد مگر اینکه عقل‌مدار باشد. این هزار سالی که در مراسم نوروز ایرانی‌ها بود که می‌گفتند هزار سال و ماه بمانید و بعد به کشورهای دیگر رفت که گفتند «عش ألف نیروز» و مانند آن این یک تمثیل است و نه تعیین، یعنی عمر دراز داشته باشید.

یک وقت است که ذات اقدس الهی درباره مدت مسئولیت و رسالت نوح (سلام الله علیه) می‌فرماید که او در بین قومش ﴿أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾<sup>۲</sup> یعنی ۹۵۰ سال رسالت کرد نبوت کرد نه عمرش بود، این واقعاً همان ۹۵۰ سال بود یعنی دوران رسالت او دوران ولایت و امامت و نبوت او بود عمر او البته مقداری بیشتر بود. این تحدید است و نه تمثیل و مانند آن. اگر واقع باشد یعنی لیله قدر از هزار ماه بیشتر است و اگر ناظر به کثرت باشد معلوم نیست که چقدر باشد آن را ذات اقدس الهی می‌داند این «ألف» بالاترین رقمی بود که در دیرزمان مطرح می‌کردند

۱. سوره بقره، آیه ۹۶.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

کلمه میلیون و مانند آن که اصلاً مطرح نبود و اگر کسی سخنی بالا داشت می گفتند فلان شخص «ألف ألف» می کند یعنی او اهل اغراق است اهل مبالغه است چون رقم «ألف» سابقه نداشت از نظر امور مالی و مانند آن.

به هر تقدیر اگر این تحدید باشد خیلی است که عبادت یک شب به منزله عبادت هزار ماه است، اگر تنزیل و تشبیه باشد یا مثال باشد معلوم نیست که هزار سال دو هزار سال کمتر یا بیشتر! ناظر به کثرت باشد. رقم واقعی اش روشن نیست ناظر به تحدید باشد هزار سال، «علی ای حال» یک شب عبادت یک شب بهتر از عبادت هزار شب باشد این یک عظمت و جلالی دارد.

آیا این لیلہ قدری که هر سال تکرار می شود که در جلسه قبل هم اشاره شد، مرحوم کلینی این روایات را نقل کرد که با دیگران به لیلہ قدر احتجاج کنید که در لیلہ قدر ذات اقدس الهی فرمود این لیلہ قدر ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ است با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که لیلہ قدر از بین نرفته، این لیلہ قدر هست و فرشتگان هم نازل می شوند و امور و مقدرات را می آورند و یقیناً به کسی خواهند داد چون نمی آورند که ببرند اگر می خواستند ببرند چرا آوردند؟ اینکه فرمود: ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ معلوم می شود که رهاوردی دارند مقدرات را دارند می خواهند به کسی بدهند و آن شخص ولی آن عصر و امام آن زمان (علیه آلاف التحية و الثناء) است. لذا مرحوم کلینی طبق روایاتی دارد که ائمه (علیهم السلام) فرمودند با دیگران به آیه سوره «قدر» استدلال کنید که این لیلہ قدر که فرشته ها می آیند مقدرات را می آورند به چه کسی می دهند؟ پس «لكل عصر امام»<sup>۱</sup>.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۴۹.

به هر تقدیر این در هر سال یک شب هست و این شب این چنین است و این نه برای آن است که احترام به سالگرد نزول قرآن کریم باشد، بلکه او عطری آورد که بوی آن هر سال «إلى يوم القيامة» در ليله قدر به مشام می‌رسد. دو مطلب است: یک وقت یک یادبودی است سالگردی است و مانند آن از این قبیل نیست. غرض آن است که این ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ معنایش این نیست که آن سالی که قرآن نازل شد ليله قدر آن سال محترم بود و ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ بود بقیه به عنوان سالگرد است نخیّر! آن قدر جمال و جلال قرآن اثرگذار بود که در هر سال ليله قدر آن سال مثل زمان نزول قرآن کریم با جمال و جلال و شکوه خواهد بود این شب است که این «إلى يوم القيامة»، این ليله قدر را گرانقدر نگه داشت عظمت این شب این است.

گاهی ممکن است که ليله قدر «فی الجملة» ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ باشد نه «بالجملة». تفاوت این دو تعبیر این است که این شب قدر نه این است که مثلاً حالا شب اگر شب دوازده ساعت یا چهارده ساعت به اختلاف فصول یا کمتر یا بیشتر عظمت دارد این برای تمام ساعات و دقائق و ثانی‌اش باشد «فی الجملة» این چنین است مثل اینکه گفتند در روز جمعه ساعتی است که در آن دعا مستجاب است یعنی تمام ساعت‌های روز جمعه یکسان نیست بلکه فرق می‌کند. آیا ليله قدر نظیر این گونه از روزها است یا نظیر برخی از شب‌هاست که «فی الجملة» ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ باشد یا «بالجملة»؟ برای تثبیت اینکه «بالجملة» مقصود است نه «فی الجملة»، فرمود: ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ یعنی این از آغاز تا انجام، از مبدأ تا انتها، از اول تا آخر، تمام ساعت‌های این شب ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ است تمام لحظات این تمام ثانی این تمام دقائق این ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ است به قرینه ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾.

بنابراین تمام امور را که نازل می‌کنند، قسمت مهم آن بخش‌های قرآن کریم بود که قرآن کریم تا چه زمان نازل بشود و در طی این ۲۳ سال، هر سالی چند تا آیه نازل بشود، ليله قدر هر سالی مشخص می‌کند. درباره علوم و معارف چقدر نازل بشود تا چقدر خدا تقدیر بکند که اگر صاحب‌نظرانی، محققانی و پژوهشگرانی در صدد ادراک معارف قرآن، کشف علوم دیگر باشند خدای سبحان هم برابر آن تحقیقات و تحقیق‌طلبی فیض افاضه می‌کند. اصلاً طبق بیان نورانی امام هادی (سلام الله علیه) در زیارت «جامعه» که به بارگاه ائمه (علیهم السلام) مشرف می‌شویم بعد از آن عرض ارادت‌ها و طلب نیازهای عادی عرض می‌کنیم: «مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ»<sup>۱</sup> گرچه این جمله خبری است ولی به داعی إنشاء القا شده است؛ یعنی توفیق عطا کنید که من محققانه معارف دین را بفهمم هر چه شما «بالاصالة» تحقیق کردید من «بالتبع» تحقیق بکنم. هر چه شما «بالاصالة» ابطال کردید من «بالتبع» ابطال بکنم. این برجستگی علم‌مداری و عقل‌محوری شاگردان ائمه است، این زیارت‌ها عالی‌ترین و برجسته‌ترین معارف را به ما یاد می‌دهد ما باید این معارف قرآنی را در مزار ائمه (علیهم السلام) از ذات اقدس الهی به برکت آنها و به توسط آنها بخواهیم. اگر ما این چنین بودیم ليله قدر هم برای ما تنظیم می‌کند چون ليله قدر برابر استعدادهای ما تنظیم می‌کند اگر خواهان استعداد برتری بودیم در ليله قدر آن استعداد را عطا می‌کند چون

داد او را قابلیت شرط نیست \*\*\* بلکه شرط قابلیت داد اوست<sup>۲</sup>

افاضه می‌کند، ما هم از ذات اقدس الهی این استعدادها را در درجه اول می‌خواهیم.

غرض این است که اگر در سوره «دخان» آن خصوصیت را دارد و اگر در سوره «حجر» آن جلال و شکوه را دارد، در سوره «قدر» جلال و شکوه را با جمع‌بندی بین خصوصیت‌های قرآن و خصوصیت‌های زمان و عظمت

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲. مولوی مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بخش ۶۳.

پیغمبر و اینکه این ليله قدر «بالحمله» ﴿خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ است بازگو کرد. درست است که ممکن است در عالم دیگر بین قطعات زمان فرق باشد ولی اثبات آن آسان نیست. زمان همان طوری که در بحث قبل اشاره شد یکی از امور شش گانه همراه حرکت است. حرکت داخل در هیچ مقوله‌ای نیست، یک؛ حرکت در هر مقوله‌ای نوع سیال آن مقوله است، دو؛ و برترین و بهترین حرکت حرکت جوهری است که در گوهر ذات انسان تحولی پیدا بشود نه تنها ﴿يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾<sup>۱</sup> بلکه «بیدل الجوهر فاسد را به جوهر صالح»، خود ذات را خود جوهر را تغییر می‌دهد و دگرگون می‌کند که اگر قبلاً جزء ﴿عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ بود حالا جزء صالحین بشود. اینکه تعبیرات قرآن فرق می‌کند درباره بعضی می‌گویند این جزء کسانی است که ﴿عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾، درباره بعضی‌ها فرمود: ﴿إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ یعنی گوهر ذاتش این چنین است؛ تحول ممکن است به صورت گوهر ذات باشد.

بنابراین این عظمت و جلالی که در این سوره برای ليله قدر شد در آن شب تمام برنامه‌ها حکیمانه تقدیر می‌شود، یک؛ و آیات و سوری که تا سال بعد نازل می‌شود حکیمانه بیان می‌شود، دو؛ مسئولش هم خود ذات اقدس الهی است، سه؛ مدیران و مدبرانی که مسئولان اجرایی‌اند فرشتگان‌اند با روح که از برجسته‌ترین فرشته‌هاست اینها مسئول اجرای این کار هستند و در صدر و ساقه هم به اذن پروردگار تجلی دارند آنها هم تجلی دارند، نه اینکه آنها تجافی داشته باشند آنها در عین حال که در مقام خودشان هستند ﴿مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ﴾<sup>۲</sup> با حفظ همان مقام نازل می‌شوند ﴿بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾.

۱. سوره فرقان، آیه ۷۰.

۲. سوره تکویر، آیه ۲۱.



بنابراین این از برجسته‌ترین سوره‌هایی است که عظمت قرآن را عظمت لیلہ قدر را و شایستگی جامعہ بشری قرآنی را برای رقی و بالا آمدن اعلام می‌دارد. وقتی درهای رحمت باز بود و ذات اقدس الهی تقدیر کرد و تقدیر می‌کند و وسیله تقدیر را هم مشخص کرده است دلیلی بر واماندگی و مانند آن ندارد.

در بحث‌های دیگر هم ذات اقدس الهی این چنین فرمود که این به اسم ربّ خود سوگند یاد بکن و نام خدا را مبارک قرار بده اینها هم همه آن مطالب در این سوره مبارکه «قدر» تضمین شده است اگر خودش با جلال و شکوه فرمود ما نازل کردیم و بدون اینکه نیازی به نام قرآن داشته باشد آن معهود و معروف است، در پیشگاه قرآن از او به ضمیر یاد کرده است معلوم می‌شود که چقدر عظیم است؛ لذا خودش به قرآن عظیم سوگند یاد می‌کند خودش به خود قرآن سوگند در سوره مبارکه «دخان» یاد می‌کند. این کتاب بیانگر حق است ﴿تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>۱</sup> است به خود قرآن سوگند یاد می‌کند که او بیانگر است و این مطالب را هم خود قرآن کریم ذکر می‌کند که امیدواریم همه ما از فیض و فوز لیلہ قدر بهره کافی ببریم و ذات اقدس الهی مقدرات این مملکت را این نظام را جامعہ بشری را با خیر و صلاح و فلاح تدبیر بفرماید.

«و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»